

شهادت و شفاعت قرآن در قیامت

یک پژوهشگر قرآنی با اشاره به حکیم بودن قرآن و شهادت دادن آن در قیامت، گفت: قرآن موجودی زنده و عاقل است که در روز قیامت برای اعمال انسان شهادت می‌دهد و شفاعت او را برعهده دارد.



ایکنا. یک پژوهشگر قرآنی با اشاره به حکیم بودن قرآن و شهادت دادن آن در قیامت، گفت: قرآن موجودی زنده و عاقل است که در روز قیامت برای اعمال انسان شهادت می‌دهد و شفاعت او را برعهده دارد.

قرآن کریم ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن و ماهی که شب قدر در آن چون قلبی تپنده می‌درخشد، فرصتی است تا از دریچه‌ای تازه به عمق قرآن کریم بنگریم. سوره مبارکه یس که پیامبر(ص) آن را قلب قرآن نامیده اند، نه تنها راهنمای ما در مسیر ایمان و هدایت است، بلکه هر آیه اش پنجره‌ای به سوی رازهای توحید، معاد و رحمت الهی می‌گشاید. خبرنگار ایکنا از اصفهان در سلسله گفت‌وگوهایی به مناسبت این ماه با علی اکبر توحیدیان، پژوهشگر قرآنی و دکترای علوم قرآن و حدیث، در شماره بیست و چهارم به بررسی قرآن به مثابه حقیقتی زنده و حکیم، شهادت قرآن و اعضای انسان بر اعمال در قیامت و تجلی حقیقت قرآن در حیات معنوی و تربیت انسان پرداخته است. این مجموعه ۳۰ قسمتی، ما را با پیوند عمیق مفاهیم هدایت، انذار، تقدیر و سبیل السلام در قرآن و همچنین رازهای نهفته در آیات سوره‌های یس و قدر آشنا می‌کند.

ایکنا- با توجه به پیوند مفهومی میان قرآن حکیم در آیه دوم و موضوع شهادت اعضای بدن در آیه ۶۵ سوره یس، چگونه می‌توان نقش قرآن را به مثابه حقیقتی زنده و ناظر بر رفتار انسان در نظام تربیتی و اخلاقی اسلام تحلیل کرد؟

در تکمیل تفسیر سوره مبارکه یس، به دو آیه اشاره می‌کنیم که به نحوی با یکدیگر ارتباط موضوعی دارند؛ یکی آیه دوم و دیگری آیه شصت و پنجم این سوره مبارکه است. آیه دوم می‌فرماید: «وَالْقُرْآنَ الْحَکِیمَ»؛ یعنی قسم به قرآن حکیم. برای واژه حکیم چند معنا بیان شده است. نخست به معنای محکم؛ یعنی قرآن کتابی است که آنچه در آن آمده، استوار و بدون سستی، بیهودگی و بی‌پایگی است. معنای دوم آن است که قرآن حکمت دارد و حکمت به معنای معارف حقیقی و فروعاتی است که از آن معارف حقیقی منشعب می‌شود؛ مانند موعظه‌ها، عبرت‌ها، احکام و شرایط. مرحوم علامه طباطبایی(ره) در تفسیر المیزان این مجموعه را معنای حکمت می‌داند.

در تفسیر «مِنْهُمْ الصَّادِقِینَ»، مرحوم ملا فتح الله کاشانی(ره) نیز درباره حکیم بودن قرآن می‌فرماید که قرآن بدون عیب و نقص است و در میان انسان‌ها به حق داوری می‌کند. این نیز معنایی دیگر از حکیم است که به داوری حق در میان آدمیان اشاره دارد. ایکنا- اگر قرآن موجودی زنده و صاحب ادراک معرفی می‌شود، این نگاه چه تأثیری بر نوع رابطه انسان معاصر با قرآن می‌تواند داشته باشد و چه تفاوتی با نگاه صرفاً متنی و آیینی به قرآن ایجاد می‌کند؟

نکته قابل توجهی که در تفسیر نمونه و تفسیر المیزان مطرح شده، آن است که حکیم صفتی است که برای موجود زنده و دارای عقل به کار می‌رود. بنابراین، از این تعبیر فهمیده می‌شود که قرآن موجودی زنده است و صرفاً مجموعه‌ای از اوراق نیست. چون موجودی زنده و دارای عقل است، حکیم خوانده شده و می‌تواند درهای حکمت را بر انسان‌ها بگشاید و با توجه به آیات بعدی سوره، انسان را به سوی صراط مستقیم هدایت کند.

از همین رو در روایات متعددی آمده است که قرآن در قیامت از جمله شهود خواهد بود و برای انسان شهادت می‌دهد و همچنین شفیع خواهد بود. قرآن شهادت می‌دهد که انسان چگونه با آن رفتار کرده است و اگر انسان رفتار شایسته‌ای داشته باشد، قرآن شفیع او خواهد شد. یکی از چند شفیع در صحنه قیامت، قرآن است.

ایکنا- طرح موضوع شهادت اعضای بدن در قیامت چه پیامدهای معرفتی و روان‌شناختی برای مسئولیت‌پذیری انسان در عصر حاضر دارد؟

درباره شهادت اشیا بر اعمال انسان در آیه شصت و پنجم همین سوره آمده است: «الْیَوْمَ نَخِیمُ عَلَیْ أَفْوَاحِهِمْ وَنُكَلِّمُنَا أٰیْدِیَهُمْ وَتَشْهَدُ اٰرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا یَكْسِبُونَ»؛ در آن روز بر دهان‌ها مهر زده می‌شود و دست‌ها حرف می‌زنند و پاها بر اعمال انسان گواهی می‌دهند که چه چیزی را در دنیا کسب کردند.»

در قیامت اعضای بدن حتی پوست و مو، به اذن خدا سخن می‌گویند و یکی از شهود نیز قرآن است. در روایتی از اصول کافی که مرحوم علامه تهرانی(ره) در جلد هفتم معادشناسی نقل کرده، از امام محمدباقر(ع) روایت شده است که فرمودند: «یَا سَعْدُ، تَعَلَّمُ الْقُرْآنَ، فَإِنَّ الْقُرْآنَ یَأْتِیْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فِیْ أَحْسَنِ صُورَةٍ، تَنْظُرُ إِلَیْهِ الْخَلْقُ وَالنَّاسُ، وَالنَّاسُ صُفُوفٌ عِشْرُونَ وَ مِئَةٌ أَلْفٍ صَفٌّ، ثَمَانُونَ

ألف صَفَّ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ (ص) و أَرْبَعُونَ أَلْفًا صَفَّ مِنْ سَائِرِ الْأُمَّةِ؛ ای سعد، قرآن را فرابگیر، چون قرآن در روز قیامت در زیباترین صورت ظاهر می شود و تمام مخلوقات و مردم به آن می نگرند. مردم در آن روز در ۱۲۰ هزار صف قرار می گیرند که ۸۰ هزار صف از امت پیامبر اسلام (ص) و ۴۰ هزار صف از سایر امت ها هستند.»

سپس حضرت می فرماید: «قرآن در صورت مردی زیبا در برابر صف مسلمانان ظاهر می شود و سلام می کند. مسلمانان با دیدن او می گویند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ» و او را می شناسند، اما می گویند تلاش او در راه قرآن بیش از ما بوده، به همین دلیل این درجه از جمال نور را به دست آورده است. سپس قرآن از مقابل صف مسلمانان عبور می کند و در برابر صف شهدا قرار می گیرد. شهدا با دیدن او می گویند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الرَّبُّ الرَّحِيمُ»، این مرد از شهادت و ما او را از صفات، روش و مناجاتش می شناسیم؛ ولی به آن سبب که از شهدای دریاست، به این دلیل بهایی حائز شده که ما حائز نشدیم.» سپس قرآن در برابر صف شهدای دریا و... پس از آن در برابر پیامبران و مرسلان ظاهر می شود و همه با دیدن او شگفت زده می شوند. پیامبران از رسول خدا (ص) می پرسند که این شخص کیست و پیامبر (ص) می فرماید: «این حجت خدا و قرآن است.»

قرآن سپس به صف فرشتگان می رسد و فرشتگان نیز از مقام او شگفت زده می شوند. در ادامه قرآن به پیشگاه الهی می رسد و در برابر عرش الهی سجده می کند. خداوند می فرماید: «ای حجت من و ای کلام راستین من، سر بلند کن و شفاعت کن که شفاعت پذیرفته است.» قرآن درباره بندگان شهادت می دهد که برخی حق قرآن را حفظ و برخی آن را ضایع کردند.

در ادامه روایت آمده است که قرآن در صورت مردی رنگ پریده در برابر یکی از شیعیان که در دنیا قرآن را می شناخت و با اهل خلاف با آن به مجادله برمی خاست، ظاهر می شود و به او می گوید: من همان قرآنی هستم که شب ها برای تلاوت من بیدار می ماندی و در راه عمل به من سختی ها را تحمل کردی، من پشت و پناه تو هستم. سپس قرآن او را نزد پروردگار می برد و برای او شفاعت می کند و خداوند او را وارد بهشت و نعمت های فراوانی به او عطا می کند؛ از جمله جوانی همیشگی، سلامت دائمی، بی نیازی، شادی و زندگی جاودان.

سپس امام باقر (ع) این آیه را تلاوت فرمود: «لَا يَدْرُفُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى!...؛ در آنجا مرگ را نمی چشند، مرگ آنان همان مرگی بود که در دنیا چشیدند.» (دخان/۵۶) در ادامه روایت، امام می فرماید نماز نیز سخن می گوید و صورتی دارد، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ؛ یقیناً نماز انسان را از کارهای زشت و کارهای ناپسند باز می دارد و همانا ذکر خدا بزرگتر است.» (عنکبوت/۴۵)

مرحوم علامه تهرانی در ادامه بیان می کند که قرآن فقط نوشته ای بر صفحات نیست، بلکه حقیقتی معنوی است. در قرآن آمده: «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ...؛ بلکه این قرآن، آیات روشنی است در سینه کسانی که به آنان معرفت و دانش عطا شده است.»

یعنی حقیقت قرآن در سینه صاحبان علم قرار دارد. اگر حقیقت قرآن در روح مؤمن تجلی کند، وجود او قرآنی می شود. در روایات آمده است: «الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْقُرْآنِ وَالْكَعْبَةِ؛ احترام مؤمن از احترام قرآن و کعبه بیشتر است.»؛ زیرا اگر حقیقت قرآن در جان مؤمن تجلی کند، او به حیات قرآنی دست می یابد و وجودش مطاف می شود.

بر همین اساس، وجود مقدس امیرالمؤمنین علی (ع) حقیقت قرآن است و خود فرمودند: «أَنَا كَلِمَةُ اللَّهِ التَّاطِقُ؛ من گفتار ناطق خدا هستم.» در قیامت این حقیقت قرآنی در قالب وجود کامل تجلی می یابد و همه به مقام والای آن اعتراف می کنند. همچنین، نماز حقیقی آن است که ظاهر و باطنش الهی باشد و نمازگزار در آن معراج می کند و چنین نمازی در کامل ترین شکل خود در وجود امیرالمؤمنین (ع) منجلی است.

امیرالمؤمنین (ع) و همه ائمه اطهار (ع) حقیقت نماز، زکات، حج، روزه، جهاد و قرآن هستند و در مقابل، دشمنان آنان مصداق فحشا، منکر و ظلمت. فحشا نیز حقیقتی دارد و برخی افراد منشأ گسترش آن می شوند و قرآن آنان را هیزم آتش جهنم معرفی می کند.

در پایان، باز به نکته آغازین بازمی گردیم که خداوند در آیه دوم سوره یس به قرآن حکیم قسم یاد کرده؛ چون حکیم صفت موجود زنده و عاقل است، قرآن نیز زنده و دارای عقل است و از همین رو یکی از شهود قیامت خواهد بود و برای پیروان خود شفاعت خواهد کرد. امید است که ما نیز از کسانی باشیم که مشمول شفاعت قرآن قرار می گیرند.